



محل الصاق عکس	گزارش چکیده پایان نامه / رساله فارسی و انگلیسی						
1401/09/27	تاریخ دفاع:	کارشناسی ارشد	مقطع تحصیلی:	روابط بین الملل	رشته تحصیلی:	عبدالجاوید ولی زاده	نام و نام خانوادگی دانشجو:
دکتر مجید محمد شریفی			نام استاد/ اساتید داور	دکتر سید سعید میرترابی حسینی	نام استاد مشاور	دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین	نام استاد راهنما
<b>روابط خارجی و کارنامه اجتماعی و فرهنگی حامد کرزای (۲۰۰۱-۲۰۱۰)</b>							عنوان پایان نامه/ ساله:
<p>در خصوص روابط خارجی و دست آورد های حامد کرزای به دوره زعامت اش باید گفت، با وجود کاستی های فراوان در شبکه مدیریتی افغانستان، نباید اینگونه پنداشت که دولت کرزی هیچ قدمی برای ارتقای سطح زندگی مردم در طول دوران تصدی خود برنداشته است. واقعیت این است که با وجود سرسختی گروه سلفی طالبان در برابر آموزش دختران، دولت در حد بضاعتی که داشته، تلاش کرده است چراغ علم و دانش را حتی در دورترین نقاط افغانستان روشن کند. از این رو مدارس و مکاتب کوچک و بزرگ بسیاری در سطح ولایات شروع به کار کرده است، با این که این مدارس با کمبود امکانات مادی و معنوی بسیاری روبرو بودند. اما در این دوره، جوانان تحصیل کرده بسیاری جذب وزارت تعلیم و تربیت شده اند و نهادهای بین المللی در قالب سازمان های خصوصی در برخی از ولایات خدمات آموزشی ارائه می کردند، میلیون ها کتاب و منابع درسی تدوین و منتشر شده است و در کل، زمینه های بسیار خوبی در جهت یک انقلاب آموزشی در افغانستان فراهم شده است. این وضع در رابطه با تحصیلات دوره عالی مشهودتر است. در طول چند سال حکومت کرزی، دانشگاه نام و نشان دار کابل و چندین دانشگاه دیگر در شهر های بزرگ به صورت مستمر فعالیت کرده اند؛ وزارت تحصیلات عالی، هر سال کنکور دانشگاه ها را با اشتیاق و استقبال بسیار جوانان برگزار می کردند، اساتید تحصیل کرده از خارج افغانستان به کار گرفته شده اند و دستمزدشان نسبت به زمان آغاز دولت کرزی رشد چشمگیری پیدا کرده بود، ضمن آنکه با سیاست صحیح و اصولی این وزارتخانه، چند مؤسسه آموزش عالی خصوصی در شهر های کابل و مزار شریف اجازه فعالیت یافته بودند. خلاصه آن که در خصوص آموزش و دانش، اشتیاق بسیار زیادی هم در جامعه و هم در برنامه های دولت آقای کرزی مشاهده شده میشود. (رضوی، ۱۳۹۷؛ ۲)</p> <p>بخش مهم دیگر شاخص فرهنگی یک کشور، کیفیت و کمیت رسانه ها در آن کشور است. هر چند که عده ای رشد چشمگیر و خارق العاده رسانه ها و مطبوعات دولتی و خصوصی را در افغانستان قارچ گونه می دانند و دلیل آن را ناهماهنگی میان موجودیت آنها و نیاز جامعه می پندارند، اما واقعیت این است که</p>							بیان مسئله:

وجود رسانه‌ها و مطبوعات در هر میزان و سطحی که باشد، چنانچه طبق قوانین مدون و اصول و هنجارهای حاکم بر یک جامعه عمل کنند، نه فقط هیچ ضرری ندارند، بلکه نشانه بالندگی یک جامعه و وجود چندصدایی در آن است. از لحاظ کمی در طول این چند سال حکومت کرسی رسانه‌های دیداری و شنیداری بسیاری در افغانستان شروع به کار کرده‌اند. روشنفکران افغانستان، فعالیت تلویزیون‌ها و رادیوهای خصوصی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات آزاد، توسعه، شبکه اینترنت، فضا سازی ماهواره‌ای و... که هر یک صدا و اندیشه جریان‌های متفاوت و بعضاً متضاد را منعکس می‌کنند، به فال نیک گرفته‌اند. این در حالی است که دولت نیز توانایی‌های رسانه‌های اش را به خوبی در آن دوره تقویت کرده است و روزگار شبکه‌های ملی و محلی رادیو و تلویزیون و انتشار مطبوعات اعم از کتاب، مجلات و روزنامه‌ها در سطوح کمی و کیفی، بسیار بهتر از انتظار، خود را نشان می‌دهد. (اندیشه سازان نور، ۱۳۹۴؛ ۲۱۴)

زمانی که کرسی در اجلاس بن (۲۰۰۱) به عنوان رئیس دولت موقت انتخاب شد، طالبان شکست خورده بودند، اما جای آن‌ها را احزاب و گروه‌های محلی پر شماری گرفتند، که برخی از سران این گروه‌ها بسیار پر قدرت بودند و درد سرساز نشان می‌دادند. از این رو از همان زمان، اعتبار ریاست کرسی با اقتدار دولتش گره خورده بود. این وضع پس از سه سال که وی رسماً به ریاست جمهوری رسید نیز وجود داشت. هنوز هم فرماندهانی از مجاهدین سابق که دسته‌های نظامی‌شان را حفظ کرده بودند، بر برخی از ولایات حکومت می‌کردند و علیرغم ابراز وفاداری به حکومت مرکزی، در عمل، دولتی مستقل بودند. به همین سبب کرسی با علم به این موضوع، سیاست‌هایی را در قبال این عده در پیش گرفت که بیشتر مبتنی بر سیاست هویج بود تا چماق. او برای تسری اقتدار دولت در سطح افغانستان، ابتدا برای مدت کوتاهی بر مقام و موقعیت جنگ‌سالاران صحنه گذاشت. رئیس‌جمهوری افغانستان کسی را از ابتدا نفی نکرد، اما پس از مدتی با دادن عنوان جایگزین در حد وزارت یا ولایت، میان آنان و موقعیت سنتی‌شان فاصله انداخت. «اسماعیل‌خان»، «گل‌آقا شیرزی» و ژنرال دوستم نمونه‌های شاخص در این زمینه‌اند. این سیاست هوشمندانه هر چند به اعتبار شخصی کرسی لطماتی وارد کرد، اما نتیجه لازم را داد. (ببران و پورشیدی، ۱۳۹۱؛ ۱۳۰)

من (محقق)، بر این باورم که موفقترین حوزه عمل دولت کرسی، حوزه سیاست خارجی است. دوران پرتلاطم جنگ‌های داخلی و حکومت طالبان برای افغانستان، عنوانی به نام سیاست خارجی باقی نگذاشته بود. واقعاً آباد کردن این حوزه و بازگرداندن اعتبار از دست‌رفته افغانستان در صحنه بین‌المللی، کاری بس مشکل بود. این در حالی بود که دولت کرسی در شرایط اشغال افغانستان و در میان رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، باید افغانستان را اداره می‌کرد. شاید عده‌ای بر این باور باشند که آقای کرسی مجری سیاست‌های دیکته شده آمریکا یا برخی از کشورهای اروپایی است؛ آنانی که امنیت و بسیاری از گلوگاه‌های افغانستان را در دست دارند. از این رو این گمانه شایع بود که روابط دولت افغانستان با کشورهای منطقه و اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی ایران، شکل چالشی به خود

خواهد گرفت و دولت افغانستان به ابزاری در دست ایالات متحده برای اعمال فشار بیشتر بر ایران تبدیل خواهد شد. اما خلاف آن اتفاق افتاد و شخص کرزی نه فقط به عنوان شیپور آمریکا علیه ایران عمل نکرد، بلکه در مواردی به انتقادهای تندی علیه شیوه‌های عمل آمریکا، حتی در مقابله با طالبان دست زد. جمله نغز و معروف کرزی که گفته بود؛ «آمریکا دوست و ایران برادر ماست» را به یاد داریم. مفهوم آن این است که یک فرد به خاطر دوستش، هیچگاه علیه برادرش عملی انجام نمی‌دهد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۵)

در خصوص توسعه دیپلماسی افغانستان با جهان خارج، دولت کرزی دستاوردهای بسیاری داشته است. روابط دیپلماتیک افغانستان با کشورهای غربی، شرق و جنوب شرق آسیا، کشورهای اسلامی و حتی برخی از کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین برقرار و نمایندگی‌های سیاسی نظیر سفارتخانه و کنسولگری افغانستان در بسیاری از این کشورها تأسیس شده است. در یک نگاه کلی به کارنامه دولت کرزی، اگر این دولت را در مقایسه با یک دولت مطلوب که در شرایط طبیعی زمام امور را به دست می‌گیرد در نظر بگیریم، ضعف‌ها و کاستی‌های فاحشی را می‌توان در آن مشاهده کرد، اما اگر با این پیش‌فرض به کارنامه دولت نگاه کنیم که این دولت از میان خاکستر ۳۰ سال جنگ و تباهی در افغانستان سربرآورده و شرایط دشوار و مشکلات بی‌شماری داشته است، باید انصاف به خرج داد و با توجه به دستاوردهایی که داشته است، سرجمع به آن نمره قبولی داد، (حق شناس، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر سعی می‌شود تا روابط خارجی و کارنامه اجتماعی و فرهنگی دوره حکومت حامد کرزی بررسی شود. همچنان تعاملات فرهنگی بین افغانستان و کشورها بالخصوص کشور ایران، چالش‌ها و فرصت‌های فرهنگی نیز به بیان گرفته می‌شود.

#### اهمیت موضوع تحقیق

به طور کلی اهمیت این پژوهش بررسی روابط خارجی و کارنامه‌های اجتماعی و فرهنگی دولت کرزی در سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰ می‌باشد. که پیچیدگی و تحلیل مولفه‌ها اهمیت این بحث را بیشتر می‌کند. همچنین از حیث ضرورت باید گفت، از آنجا که بستر اساسی این پژوهش در زمینه بنیان‌ها و موارد مترتب بر روابط سیاست خارجی افغانستان و کارنامه‌های اجتماعی و فرهنگی حامد کرزی به دوره زعامت او می‌باشد، که همچنین برخی جلوه‌های بیرونی گسترده‌ای آن در سطح بین‌المللی هویدا شده است. اما بواسطه اهمیت سیاست و روابط راهبردی مشترک، روابط خارجی افغانستان در دوره زعامت حامد کرزی در برابر جمهوری اسلامی ایران، آسیای میانه و منطقه از سطح مطلوبی برخوردار بوده است. لذا ضرورت ایجاد می‌نماید تا انواع مولفه‌های روابط سیاست خارجی افغانستان و کارنامه‌های اجتماعی و فرهنگی حامد کرزی از حیث ماهوی مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. به همین دلیل جای خالی چنین مباحثی کاملاً محسوس است که با انجام پژوهش‌هایی از این قبیل، دریچه قابل تأملی در این خصوص گشوده شود.

روش پژوهش:

روش تحقیق ابزاری است که بدون آن شناخت صحیح و منطقی مسیر پژوهش و جمع‌آوری داده‌های حاصل از آن به‌درستی صورت نخواهد گرفت. روش پژوهش روشن‌کننده نحوه جمع‌آوری داده‌های پژوهشگر است. و از این رو به عنوان عنصری کلیدی و رکنی اساسی در هر طرح پژوهشی می‌باشد. روش پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی، به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق با مراجعه به منابع و ماخذ علمی شامل کتاب، مجله ها، در کتابخانه ها و همچنین سایت های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر اطلاعات مورد نیاز تحقیق گردآوری خواهد شد.

بر اساس روش تحقیق کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات بعد از ماخذ شناسی و گردآوری منابع، از ابزارهای فیش، به نکتہ برداری استفاده خواهد شد. بدین صورت که بعد از ماخذ یابی کتب، مجلات و اسناد مربوط به موضوع، فهرست موقت از مطالب مورد نیاز را تهیه و سپس با آماده سازی فیش ها، مرحله فیش برداری شروع و مطالب با استفاده از تکنیک ماخذ گذاری به روش علمی تنظیم خواهد شد.

پیشینه پژوهش در ایران و خارج

خسروی؛ محمد علی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود تحت عنوان «تحلیل سیاست خارجی افغانستان در دوران حامد کرزی» به بررسی این مهم می‌پردازد که وضعیت پیچیده قومیت در افغانستان یکی از تأثیرگذارترین عواملی است که می‌تواند در تعیین و تغییر معادلات سیاسی این کشور نقش بسیار مهمی را ایفا نماید. تعدد قومیت و قدرت سیاسی اقوام باعث شده است که حتی به اجرا درآمدن تصمیمات سیاسی نخبگان کشور منوط به توافق با اقوام و رهبران آنها صورت پذیرد. ریشه بسیاری از تعارضات و تنشها و آشفتگی های سیاسی و اجتماعی موجود در افغانستان، ارتباط مستقیم با مشکل قومیتها و تعدد اقوام و اختلافات قومی است. دوران حکومت رئیس جمهور کرزی، از نظر محقق یکی از بهترین دوران سیاسی این کشور می باشد. مردم در این دوره آزادی سیاسی و بیان را تجربه کردند و حقوق بشر بویژه حقوق زنان و کودکان تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است. افغانستان به لحاظ رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی، دارای دست‌آوردهایی است که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت. کرزی توانست با روابط گسترده سیاسی، انعقاد پیمان نامه ها، با جلب کمک های کشورهای مختلف، اقتصاد افغانستان را از حالت ورشکسته خارج نماید و این کشور را به عضویت سازمان‌های همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای در آورد. این کشور از لحاظ استخراج معادن، رشد و ترویج کشاورزی و ایجاد روابط دوجانبه اقتصادی با کشورهای مختلف پیشرفت چشمگیری داشته است. کرزی توانست در دوره

حکومت خود به جز مسئله طالبان تمام گروه‌های جهادی را آرام نگه دارد و در کشور ثبات سیاسی برقرار نماید. اصلاح قانون اساسی از دیگر دستاوردهای حکومت کرزی بود که انتظار می‌رود این قانون همچنان دوام یابد.

بربری، غلام سرور (۱۳۹۲)؛ در پژوهش خود تحت عنوان «عوامل تاثیرگذار در روابط سیاسی ایران و افغانستان در دوره کرزی (۲۰۰۲-۲۰۱۲)» به بررسی این موضوع می‌پردازد که ایران و افغانستان به عنوان دو کشور همسایه و مسلمان و دارای قرابت‌های فرهنگی، مذهبی، زبانی، تاریخی و حتی نژادی می‌باشد. وجود همین اشتراکات سبب شده است که دو کشور در مقاطع گوناگون تاریخی، گسترش روابط با یکدیگر را به عنوان یکی از اولویت‌های نخست سیاست خارجی خودشان قرار دهند، اما نقطه اوج این روابط و مناسبات در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی با کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، که روابط این دوره در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نمود دارد. البته این روابط دارای افت و خیز‌هایی نیز بوده است اما روح حاکم بر روابط دو کشور در جهت تعامل و سازگاری رو به گسترش بوده است.

کریمی، محمد (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان «ساختار سیاسی حکومت حامد کرزی در دوره ریاست جمهوری حامد کرزی (۲۰۰۱-۲۰۱۴)» به بررسی این مهم می‌پردازد که نظام سیاسی در افغانستان در طول تاریخ این کشور، تغییرات زیادی کرده است. بویژه بعد از تحولات سال ۲۰۰۱ نظام سیاسی این کشور نسبت به گذشته تغییرات اساسی پیدا کرد. افغانستان از زمان استقلال و بعد جد شدن از قلمرو فرهنگی ایران در سال ۱۷۴۷ توسط احمد شاه ابدالی ساختار پادشاهی سلطنتی داشت و تمام صلاحیت‌های دولت و حکومت در دست شاه و طرفدارانشان قرار داشت.

سینتا، رنگین دادفر (۱۳۹۶)؛ در پژوهش خود تحت عنوان «سیاست افغانستان روایتی از درون» به بررسی این مهم می‌پردازد که افغانستان و ایران بدون شک که وارثان یک تمدن مشترک هستند. پیش از ایجاد دولت‌های دارای مرزهای مشخص و ثابت، حکمرانان بسیاری بر جغرافیه‌هایی که امروز به نام افغانستان و ایران یاد میشود، سلطنت کرده‌اند. ایران کنونی یک بخشی از فلات ایران تاریخی است؛ بخشی که به دلیل اطلاق این نام بر جغرافیای کنونی آن بر کلیت ایران تاریخی از منظر ایدئولوژیک و بر بنیاد تاریخ نگاری رسمی و برداشت‌های فرهنگی حاکم داعیه‌ای مالکیت تمدنی دارد.

شفایی، امان‌الله، (۱۳۸۸)؛ در پژوهش خود تحت عنوان «کارنامه پنج سال حکومت «کرزی» در یک نگاه» به بررسی این موضوع می‌پردازد که با وجود کاستی‌های فراوان در شبکه مدیریتی افغانستان، نباید اینگونه پنداشت که دولت کرزی هیچ قدمی برای ارتقای سطح زندگی مردم در طول دوران تصدی خود برداشته است. واقعیت این است که با وجود سرسختی گروه سلفی طالبان در برابر آموزش دختران، دولت در حد بضاعتی که داشته، تلاش کرده است چراغ علم و دانش را حتی در دورترین نقاط افغانستان روشن کند. از این‌رو مدارس و مکاتب کوچک و بزرگ بسیاری در سطح

ولایات شروع به کار کرده است، با این که این مدارس با کمبود امکانات مادی و معنوی بسیاری روبرو بودند. در این دوره، جوانان تحصیل کرده بسیاری جذب وزارت تعلیم و تربیت شده‌اند و نهادهای بین‌المللی در قالب سازمان‌های خصوصی در برخی از ولایات خدمات آموزشی ارائه می‌کردند، میلیون‌ها کتاب و منابع درسی تدوین و منتشر شده است و در کل، زمینه‌های بسیار خوبی در جهت یک انقلاب آموزشی در افغانستان فراهم شده است. این وضع در رابطه با تحصیلات دوره عالی مشهودتر است. در طول چند سال حکومت کرزی، دانشگاه نام و نشان‌دار کابل و چندین دانشگاه دیگر در شهرهای بزرگ به صورت مستمر فعالیت کرده‌اند؛ وزارت تحصیلات عالی، هر سال کنکور دانشگاه‌ها را با اشتیاق و استقبال بسیار جوانان برگزار می‌کند، اساتید تحصیل کرده از خارج افغانستان به کار گرفته شده‌اند و دستمزدشان نسبت به زمان آغاز دولت کرزی رشد چشمگیری پیدا کرده بود، ضمن آنکه با سیاست صحیح و اصولی این وزارتخانه، چند مؤسسه آموزش عالی خصوصی در شهرهای کابل و مزار شریف اجازه فعالیت یافته بودند. خلاصه آن که در خصوص آموزش و دانش، اشتیاق بسیار زیادی هم در جامعه و هم در برنامه‌های دولت آقای کرزی مشاهده شده می‌شود.

سوال اصلی  
روابط خارجی حامدکرزی در سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰ چگونه برکارنامه های فرهنگی و اجتماعی ایشان تاثیر گذاشته است؟

سوالات فرعی  
1. اصول سیاست خارجی حامد کرزی در سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰ به چه محوریت استوار بوده است؟

2. آیا روابط خارجی حکومت افغانستان با دولت های همسایه در دوران حکومت حامدکرزی با چالش های مواجه شده است؟

فرضیه تحقیق

به نظر میرسد اینکه، روابط خارجی مطلوبی حامد کرزی در اکثریت کشور ها بالخصوص کشورهای همسایه مانند ایران سبب شد، تا درحوزه کارنامه های اجتماعی و فرهنگی خود همچون: آزادی بیان، فعالیت رسانه ها، تحصیلا عالی،... از موفقیت های خوبی برخوردار شود.  
اهداف تحقیق

هدف اصلی  
بررسی چگونگی روابط خارجی وکارنامه های فرهنگی و اجتماعی حامدکرزی در سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰.

اهداف فرعی  
1. بررسی محوریت اصول سیاست خارجی حامد کرزی در سال های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰.  
2. بررسی چالش های روابط خارجی حکومت افغانستان با دولت های همسایه در دوران حکومت حامدکرزی.

روند پژوهش:

مهمترین یافته ها :

## روند گردآوری اطلاعات

روند گردآوری اطلاعات با توجه به نوع تحقیق با مراجعه به منابع و ماخذ علمی شامل کتاب، مجله ها، در کتابخانه ها و همچنین سایت های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر اطلاعات مورد نیاز تحقیق گردآوری خواهد شد.

بر اساس روند تحقیق کتابخانه ای، برای جمع آوری اطلاعات بعد از ماخذ شناسی و گردآوری منابع، از ابزارهای فیش، به نکته برداری استفاده خواهد شد. بدین صورت که بعد از ماخذ یابی کتب، مجلات و اسناد مربوط به موضوع، فهرست موقت از مطالب مورد نیاز را تهیه و سپس با آماده سازی فیش ها، مرحله فیش برداری شروع و مطالب با استفاده از تکنیک ماخذ گذاری به روش علمی تنظیم خواهد شد.

مهمترین یافته ها :

مهمترین حوزه عمل دولت کرزی، حوزه سیاست خارجی است. دوران پرتلاطم جنگ های داخلی و حکومت طالبان برای افغانستان، عنوانی به نام سیاست خارجی باقی نگذاشته بود. واقعاً آباد کردن این حوزه و بازگرداندن اعتبار از دست رفته افغانستان در صحنه بین المللی، کاری بس مشکل بود. این در حالی بود که دولت کرزی در شرایط اشغال افغانستان و در میان رقابت قدرت های جهانی و منطقه ای، باید افغانستان را اداره می کرد. شاید عده ای بر این باور باشند که آقای کرزی مجری سیاست های دیکته شده آمریکا یا برخی از کشورهای اروپایی است؛ آنانی که امنیت و بسیاری از گلوگاه های افغانستان را در دست دارند. از این رو این گمانه شایع بود که روابط دولت افغانستان با کشورهای منطقه و اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی ایران، شکل چالشی به خود خواهد گرفت و دولت افغانستان به ابزاری در دست ایالات متحده برای اعمال فشار بیشتر بر ایران تبدیل خواهد شد. اما خلاف آن اتفاق افتاد و شخص کرزی نه فقط به عنوان شیپور آمریکا علیه ایران عمل نکرد، بلکه در مواردی به انتقادهای تندی علیه شیوه های عمل آمریکا، حتی در مقابله با طالبان دست زد. جمله نغز و معروف کرزی که گفته بود؛ «آمریکا دوست و ایران برادر ماست»

در یک نگاه کلی به کارنامه دولت کرزی، اگر این دولت را در مقایسه با یک دولت مطلوب که در شرایط طبیعی زمام امور را به دست می گیرد در نظر بگیریم، ضعف ها و کاستی های فاحشی را می توان در آن مشاهده کرد، اما اگر با این پیش فرض به کارنامه دولت نگاه کنیم که این دولت از میان خاکستر ۳۰ سال جنگ و تباهی در افغانستان سر بر آورده و شرایط دشوار و مشکلات بی شماری داشته است، باید انصاف به خرج داد و با توجه به دستاوردهایی که داشته است، سرجمع به آن نمره قبولی داد